

فرهنگ اصطلاحات عرفانی



آثار مرجع فرزانه





آثار مرجع فرزنان



# فرهنگ اصطلاحات عرفانی

به کوشش  
منوچهر دانش پژوه



تهران ۱۳۷۹

دانش پژوه، منوچهر، ۱۳۱۷ -  
فرهنگ اصطلاحات عرفانی / به کوشش منوچهر دانش پژوه. - تهران: نشر و پژوهش  
فرزان روزه، ۱۳۷۹.  
۱۸۷ ص. -

ISBN 964-321-019-7

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرستویسی پیش از انتشار).  
کتابنامه: ص. ۱۸۲ - ۱۸۷.

۱. عرفان - اصطلاحها و تمییرها. ۲. عرفان - واژه‌نامه‌ها. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۸۰۳

BP۲۸۹/۴/د۲

۹۰۱۳-۷۸ م

۱۳۷۸



## فرهنگ اصطلاحات عرفانی

به کوشش: منوچهر دانش پژوه

چاپ اول: ۱۳۷۹، تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

حروفچینی: علی سلمان‌منش؛ لیتوگرافی: مردمک

چاپ و صحافی: دلارنگ

حق چاپ و نشر محفوظ است.

خیابان سهروردی شمالی، کوچه شهرتاش، شماره ۷۳، تهران ۱۵۵۹۷

تلفن: ۸۷۶۸۵۲۴، فاکس: ۸۷۶۶۳۲۵

سندوق‌پستی: ۵۷۶-۱۹۶۱۵

E-mail: farzan@www.dci.co.ir

نشانی ما در اینترنت:

<http://www.apadana.com/farzan>

ISBN 964-321-019-7

شابک ۹۶۴-۳۲۱-۰۱۹-۷

## فهرست مطالب

مقدمه

درباره کتاب اول

درباره کتاب دوم

یادداشتها

کتاب اول

فرهنگ اصطلاحات عرفانی

کتاب دوم

انیس العشاق

۱۵

۸۳

۹۲

۹۴

۹۹

۱۰۲

۱۰۴

مقدمه

باب اول

باب دوم

باب سوم

باب چهارم

باب پنجم

باب ششم

در صفت موی

در صفت جبین

در صفت ابرو

در صفت چشم

در صفت مژگان

در صفت روی

۱۱۵	در صفت خط	باب هفتم
۱۲۲	در صفت خال	باب هشتم
۱۲۷	در صفت لب	باب نهم
۱۳۴	در صفت دندان	باب دهم
۱۳۹	در صفت دهان	باب یازدهم
۱۴۴	در صفت زنخندان	باب دوازدهم
۱۴۷	در صفت گردن	باب سیزدهم
۱۴۹	در صفت بر	باب چهاردهم
۱۵۲	در صفت ساعد	باب پانزدهم
۱۵۵	در صفت انگشت	باب شانزدهم
۱۵۸	در صفت قد	باب هفدهم
۱۶۳	در صفت میان	باب هجدهم
۱۶۷	در صفت ساق	باب نوزدهم
۱۷۰		تتمه
۱۸۳		تکمله مصحح
۱۸۵		فهرست ماخذ

## مقدمه

### درباره کتاب اول

اگر به مطالب و موضوعاتی که در ادبیات هزار ساله ما مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده است توجه کنیم، می بینیم که از میان عنوانهای حماسه، تاریخ، داستان، اعتقادات، مفاخرات، اخلاق، سنتها و همه اینگونه مطالب که محتوای آثار ادبی ما را تشکیل می دهد عنوان «عرفان» از همه گسترده تر است و از میان شاعران بزرگ، بزرگانی چون: عطار، سنایی، مولوی، سعدی، عراقی، حافظ، خواجه، جامی، صائب، و بسیاری دیگر و در میان نویسندگان نیز افاضلی همچون خواجه عبدالله انصاری، میبدی، نجم الدین رازی، بهاء ولد، مولوی، قشیری، هجویری، احمد غزالی، و جمعی دیگر به نام شاعران و نویسندگان اهل عرفان و تصوف شهرت دارند.

هر دانش و علمی را اصطلاحاتی است و فهم آثار عرفانی نیز دانشی می طلبد که متکی بر اطلاع بر اصطلاحات عرفانی است.

«عرفان»، عشق معنوی است و برای بیان مُراد خویش از الفاظ «عشق صوری» مدد جسته است همانگونه که در علوم دیگر نیز بسیاری از لغات متداول در زبان محاوره معنایی ثانوی می یابند که مفهومی جدا از مفهوم قبلی است و ارتباطی جدید مابین واژه ها برقرار می شود که در

معنای نخستین آن ارتباط وجود نداشت. مثلاً در زبان محاوره‌ای ارتباطی نزدیک مابین «قوه» و «فعل» احساس نمی‌شود اما در علم «منطق» لازم و ملزوم یکدیگرند.

چون عشق عرفانی، عشقی بی‌منتهاست، بیان حالاتش نیز - تا آنجا که می‌توان بیان کرد - الفاظی بیش از عشق صوری می‌طلبد و از اینجاست که زبانی تازه در «عرفان» پدید آمده است. که صدها واژه برای بیان مفهوم این عشق با معانی جدید به پا خاسته‌اند و عاقبت هم از بیان عشقی که در وصف نمی‌گنجد عاجز مانده‌اند.

بشوی اوراق اگر همدرس مایی که علم عشق در دفتر نباشد  
اما با این حال که زبان گفتاری قادر به بیان احساس و ادراک عشق  
درونی نیست به قول مولانا:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید  
تشنگان معرفت از کلام مولوی و حافظ و عطار و سنایی و میبدی  
و امثال این بزرگان جرعه‌ای می‌نوشند ولی آنگاه طعم سخن آنان را  
می‌چشند که به زبان آنان آشنا باشند.

از سده‌های پیش، عارفان سخنور به بیان معانی اصطلاحات عرفانی همت گماشته‌اند نویسندگان و شاعرانی چون: هجویری و قشیری و عراقی و ملامحسن فیض و نجم‌الدین کبری و عزالدین محمود کاشانی، رسالات و کتابهایی در شرح لغات و تعبیرات تصوف و عرفان نگاشته‌اند. در زمان حاضر نیز کتابهایی در شرح اصطلاحات عرفانی تألیف و تدوین گشته است که بعضی به طور عموم به بیان معانی عرفانی پرداخته‌اند: نظیر کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی تألیف استاد دکتر سید جعفر سجادی و کتاب فرهنگ نوربخش تألیف

آقای دکتر نوربخش - که در تألیف کتاب اصطلاحات عرفانی از این دو اثر ممتنع بیش از دیگر مآخذ بهره برده‌ایم - و بعضی کتابها به معانی لغات عرفانی در مورد یک کتاب خاص پرداخته‌اند مانند: فرهنگ اشعار حافظ تألیف شادروان دکتر احمد علی رجایی بخارایی و فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی (۷ جلد) تألیف مرحوم دکتر سید صادق گوهرین.

اینگونه تألیفات، راهگشای مشتاقانی است که مایل به درک و فهم متون عرفانی فارسی هستند و برای اهل تحقیق منابعی معتبر.

اما قصد از تهیه این کتاب مختصر آن بود که چون به دست آوردن منابع مفصل و متعدد و چند جلدی فرهنگ لغات برای همه و بخصوص جوانان دانشجوی و دانش‌آموز آسان نیست، واژه‌نامه‌ای کم حجم و مختصر تهیه شود که بدون ذکر شواهد طولانی شعر و نثر، در صفحاتی محدود و محدود، مورد استفاده جوانان و علاقه‌مندان شعر و نثر عرفانی قرار گیرد و مشکلات فهم عبارت یا بیت عرفانی را برطرف سازد.

بدین منظور با استفاده از کتب لغت و فرهنگ قدیم و جدید تصوف و عرفان، این کتاب کوچک تهیه شد و برای آنکه کتاب، هم از نظر قیمت و هم از جهت حمل سهل الوصول باشد در حجمی مختصر فراهم آمد و در تدوین آن نکاتی چند در نظر گرفته شد:

۱. معنای عام لغوی واژه‌ها و اصطلاحات در این کتاب ذکر نشد بلکه فقط معانی عرفانی نقل گردید.

۲. چون بعضی لغتها در فرهنگها به صورتهای مختلف و تعابیر گوناگون معنا شده است سعی شد روشن‌ترین و رساترین معانی انتخاب شود و البته در مواردی که واژه‌ای معانی مختلف داشت که ذکر یک معنی، وافی به مقصود نبود، دو یا سه معنی آورده شد. بدیهی است چون قصد و

غرض از تهیه این کتاب، فهم معانی عرفانی برای جوان و نوجوان بود طبعاً ذکر عین جملات و عباراتی که نویسندگان فرهنگ‌نامه‌های عرفانی قدیم نگاهشته‌اند موجب حل مشکل نمی‌شد بلکه مشکل دیگری می‌افزود.

۳. از ذکر شواهد شعر و نثر که فرهنگ نویسان در ذیل معنای لغت

آورده‌اند برای پرهیز از افزایش حجم کتاب خودداری شد.

۴. در بسیاری موارد، بعضی اصطلاحات عرفانی بر مبنای آیتی از

قرآن مجید یا حدیث و یا حکایت و واقعه‌ای است مثلاً «مقام قاب قوسین» از آیه شریفه «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (۹/۵۳) مأخوذ است که فهم این مقام مستلزم آشنایی با این آیه است. یا مثلاً در هنگامی که درباره فرقه «ملامیه» یا «ملامتیه» توضیح داده شود که صوفی از ملامت دیگران نمی‌هراسد آوردن آیه «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (و نمی‌ترسند از ملامت ملامتگر) بسیار بجا و ضروری است و همین گونه است در مورد توضیح اصطلاح «علم لدنی» که به آیت: «وَإِنَّكَ أَتَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (۶/۲۷) مربوط می‌شود و بسیاری اصطلاحات دیگر.

در اینگونه موارد نیز با آنکه ضروری به نظر می‌رسید شأن نزول

اصطلاح ذکر شود از نقل مستندات خودداری شد تا اختصار مطلب مراعات شود بدیهی است خوانندگانی که مایل به آگاهی بیشتر در این زمینه‌ها باشند می‌توانند به منابع و مآخذی که در انتهای کتاب معرفی شده است مراجعه نمایند.

۵. معنای لغات عرفانی گاهی درست مخالف معنای لغوی است

مثلاً کلمه «کافر» که به معنی پوشاننده حق و ناسپاس است در تعبیرات عرفانی به معنی کسی که در حق پوشیده و محو شده به کار رفته است که فنای در حق است و یا کلمه «مُرید» که از نظر لغوی به معنای «اراده کننده»

است در نظر اهل سلوک کسی است که از خود اراده‌ای ندارد و اراده‌اش به دست «مراد» اوست.

۶. با آنکه کوشش شد که معانی الفاظ و اصطلاحات با جمله‌های ساده و امروزی آورده شود اما چون «زبان اصطلاح» و «زبان تعریف» معمولاً دشوارتر از زبان گفتاری متداول است و تبدیل واژه یا ترکیب اصطلاحی به واژه معادل ممکن نیست طبعاً معانی به دشواری می‌گراید؛ مثلاً «تجلی و استتار» دو اصطلاح عرفانی است که نمی‌توان به جای آنها «جلوه‌گری و پوشیدگی» گذاشت و یا به جای اصطلاح «انس» نمی‌توان «الفت» گفت. مشکل افزون‌تر آنست که بعضی اصطلاحات نظیر «تواجد» یا «غلبات» در زبان محاوره جاری و ساری نیست و اگر هم باشد چون «اصطلاح» در حکم «نام» است نمی‌توان نام کسی یا چیزی را عوض کرد و مثلاً به کسی که نامش «محمود» است «ستوده» یا «پسندیده» گفت. در مواردی که معنای اصطلاح نیز مشکل باشد باید به معنای آن واژه دوم نیز در فرهنگ مراجعه کرد.

۷. بنابر قواعد تحقیق و تألیف و رعایت امانت، رسم است که در هر کتابی، اگر عبارتی از شخص یا کتابی دیگر نقل می‌شود نام گوینده یا مرجع نقل، در پایان عبارت ذکر شود اما چون در این کتاب ناگزیر بوده‌ایم عبارات را حتی المقدور خلاصه و نیز ساده کنیم عباراتی که در این کتاب آمده با عین عبارات منبع اصلی مطابقت ندارد و به اصطلاح «نقل به مضمون» است نه نقل عین عبارت بدین سبب، ذکر نام گوینده صحیح نبود. بنابراین به ذکر منابع تألیف و تدوین کتاب در پایان کتاب اکتفا شد.

۸. چون این فرهنگ صرفاً به صورت الفبایی تنظیم شده است نه موضوعی، در تنظیم اصطلاحات، حرف اول کلمه مورد نظر بوده است.

بنابراین بعضی اصطلاحاتی که در کتب اصطلاحات عرفانی در کنار هم آمده‌اند مثلاً «سُکر و صحو» یا «زلف و خم زلف» به علت آنکه معنای دو اصطلاح از هم جداست، در این فرهنگ جدا شده‌اند اصطلاح «سُکر» در حرف سین و «صحو» در صاد آمده است و همچنین «خم زلف» در حرف «خ» آمده است نه «ز». ضمناً برای آنکه ارتباط مترادف یا تضاد واژه‌ها نیز بر خواننده روشن باشد یا بر آن اطلاع یابد در هر واژه که قرینه یا متضاد دارد به واژه دیگر نیز اشاره شده است. مثلاً در واژه «تمکین» گفته شده است که مقابل «تلوین» است.

#### درباره کتاب دوم: انیس العشاق

این کتاب را می‌توان نوعی فرهنگ خاص نامید، یعنی فرهنگی که منحصر به اندام آدمی از دیدگاه شاعران و سخنوران است. در ادبیات فارسی و بالاخص در شعر فارسی اجزاء پیکر انسان، بیش از هر پدیده دیگر مورد تشبیه و تحسین قرار گرفته‌اند. در قالبهای قصیده و غزل و رباعی و مثنوی‌های عاشقانه و عارفانه، رخسار و چشم و ابرو و مژگان و گونه و دیگر اجزاء که مظهر جمالند مورد توصیف شاعران واقع شده‌اند به طوری که کمتر دیوان و مجموعه شعری می‌توان یافت که از این اوصاف خالی باشد و شاید بتوان گفت اگر شاعری به زیباییهای جمال انسان که هم از حیث ظاهری و دیدگاه انسان، و هم از نظر معنوی زیباترین زیباییها و جمال‌هاست - چون انسان خداگونه است و جمال او همچون جمال خداست - نپرداخته باشد شاعر نیست، چون شاعر باید زیبا پسند باشد تا خالق شعر و زیبایی شود.

قرن هشتم هجری قمری است که هنر شعر در زبان فارسی به اوجش رسید.

می‌رسد و با ظهور شاعری چون حافظ، غزل به مرتبتی دست نیافتنی عروج می‌کند و بزرگانی دیگر چون: خواجه و سلمان ساوجی و کمال خجندی در غزل پا به عرصه می‌نهند که اگرچه همپایه حافظ نیستند اما هر یک از آنان حیطه ادب را نگاهبان و حافظی بودند. در عرصه علم و تحقیق نیز بزرگانی پای نهادند که یکی از آنان که از شهرتی برخوردار نیست شرف‌الدین رامی است.

این محقق باذوق که در قرن هشتم می‌زیسته و خود شاعر بوده است دو اثر ارجمند از خویش به یادگار گذاشته که هر دو از آثار تحقیقی در زمینه ادبیات فارسی به شمار است.

این دو اثر بازمانده از او یکی تألیفی تحشیه‌ای است و دیگری ابداعی.

تألیف تحشیه‌ای او کتاب حقایق الحدائق در علم بدیع و صنایع شعری در زبان پارسی دری است که در شرح حدائق السحر فی دقایق الشعر رشید و طواط نوشته است و با آنکه تألیف رشید را در نظر داشته، خود کتابی مستقل در علم بدیع و صنایع شعری است.<sup>۱</sup>

کتاب دیگر او که ابداع اوست و در ادب فارسی، نظیری برای آن نیست کتاب انیس العشاق است که در این کتاب در بیست قسمت (نوزده باب و یک تمه) به وصف اندام آدمی از دیدگاه شاعران پرداخته و اوصافی را که شاعران دربارهٔ اعضاء بدن آورده‌اند شرح داده و نمونه‌هایی ذکر کرده است.

این کتاب با آنکه از نظر حجم مختصر است اما هم از نظر بی‌مانند بودن در نوع خود، اهمیتی به سزا دارد و هم از جهت آنکه فرهنگ شعری اجزاء پیکر آدمی است و هم اینکه می‌تواند راهنمای صاحبان ذوق در

استفاده از تشبیهات شاعرانه و ابداع تشبیهات جدید باشد بس سودمند است.

در این کتاب فرهنگ گونه، در هر باب که اختصاص به یکی از اعضاء دارد نخست نامهای متعدد یک عضو را اعم از فارسی و عربی، ذکر می‌کند و سپس به تشبیهات آن در شعر شعرا و «وجه شبه» که معمولاً متعدد است می‌پردازد و نمونه شعری ذکر می‌کند.

### شرف‌الدین رامی کیست؟

نام او را شرف‌الدین حسن بن محمد رامی تبریزی و یا شرف بن محمد بن حسن رامی نوشته‌اند و نسبت او «رامی» یا «زামী» است.<sup>۲</sup>

«رام» نام جایی در هندوستان و «رام اردشیر» نام شهری مابین اصفهان و خوزستان و «رام شاه» نام دهکده‌ای در کنار شهر مروشاهجان بوده است.<sup>۳</sup>

رامی از شاعران دربار سلطان معزالدین ابوالفتح اویس جلایری (۷۵۷ تا ۷۷۶ هـ)<sup>۴</sup> بوده و هر دو کتاب خود را به نام این سلطان نوشته است.<sup>۵</sup>

در تذکره دولت‌شاه سمرقندی درباره شرف‌الدین رامی آمده است: «مرد دانشمند بوده و صاحب فضل، خصوصاً در علم شعر، سرآمد روزگار خود بوده است و نسخه‌ای در علم شعر ساخته، حدایق الحقایق نام و چند صنعت در آن کتاب درج کرده که رشیدالدین وطواط در حدایق السحر آن صنایع را ذکر نکرده بود...»<sup>۶</sup>

در کتاب ریحانة الادب (جلد سوم) نوشته است که شرف‌الدین رامی در عهد شاه منصور بن مظفر آخرین پادشاه آل مظفر، ملك الشعراء

عراق بوده است.<sup>۷</sup>

در همین کتاب تعداد ابواب انیس العشاق را بیست و نه باب ذکر می‌کند<sup>۸</sup> که آنچه در دست است نوزده باب است و با توجه به اینکه اجزاء پیکر آدمی که مورد وصف و تشبیه شعرا قرار گرفته یکی دو عضو بیشتر از آنچه در این کتاب آمده نیست (چنانکه وصف گوش و بینی را که در ابواب نیامده در آخر کتاب افزوده‌ایم) عدد بیست و نه درست نیست.

تاریخ تولد و وفات شرف‌الدین رامی روشن نیست در کتاب دانشمندان آذربایجان تاریخ فوت او را ۷۹۵ نوشته‌اند که مرحوم عباس اقبال با توجه به اینکه حسن بن محمود کاشی استاد شرف‌الدین رامی که از او در انیس العشاق یاد شده در سال ۷۱۰ فوت کرده است و باید سالها پیش از این تاریخ را دوران تلمذ شرف‌الدین نزد استاد دانست، ادامه حیات شرف‌الدین را تا ۷۹۵ بعید می‌داند<sup>۹</sup> با این قرائن تاریخ تولد او اواخر قرن هفتم و تاریخ وفات او در اواسط نیمه دوم قرن هشتم بوده است.

کتاب انیس العشاق فقط یک بار در سال ۱۳۲۵ هـ ش با مقدمه مختصر شادروان عباس اقبال به طبع رسیده است و پیش از آن در سال ۱۸۷۵ میلادی توسط هوارت فرانسوی به زبان فرانسه ترجمه و در پاریس چاپ شده است.<sup>۱۰</sup>

«رامی» در سرودن شعر نیز استاد است که این غزل شاهد توانایی و مهارت اوست:

ندانم از چه سبب چشم یار عین بلاست  
که زلف و خال خوشش دام و دانه دل‌ماست  
دل‌همیشه ز مهر دهان او تنگ است

قدم ز ابروی پیوسته‌اش همیشه دو تاست  
 شنیده‌ام که به سالی شبی بود یلدا  
 بت مرا زچه رو هر مهی دو شب یلداست  
 رهین آن لب لعلم که بنده‌اش لؤلؤست  
 غلام آن خط سبزم که عنبرش لالاست  
 به پیش سنبل پرچین عنبرافشانش  
 ز مشک اگر سخن گویم آن حدیث خطاست  
 چو موی او شب عمرم به سر رسید و هنوز  
 سر از خیال سرزلف او پر از سوداست  
 «شرف» به وعده خوبان به باد نتوان رفت  
 که هر نفس که زدی بی نگار باد هواست<sup>۱۱</sup>

در طبع حاضر کوشش شد که واژه‌ها یا تعبیراتی که در این کتاب، برای خوانندگان جوان و دانشجو مبهم یا مشکل باشد توضیح داده شود و علاوه بر آن شواهد متعدد شعری درباره تشبیهاتی که شاعران در خصوص اندام و پیکر آدمی آورده‌اند افزوده شد تا برای جوانان پژوهنده، هم آموزنده باشد و هم اگر برای مطلبی تحقیقی نیاز به شواهد مختلف و گوناگون دارند از این اشعار بهره بگیرند. تکمله مختصری به پایان کتاب نیز شد، چون همانطور که اشاره کردیم این کتاب را مؤلف براساس نوزده عضو از اعضای پیکر انسان تدوین و تألیف کرده است و دو عضو گوش و بینی را به سبب آنکه زیاد مورد تشبیه شاعران واقع نشده است در بابهایی خاص نیاورده است، چون در این دو مورد شاعران قبل و بعد از زمان شرف الدین رامی اشعاری سروده‌اند مناسب است داشت که این دو اندام نیز افزوده شود.

پیوستن فرهنگ شاعرانه انیس العشاق به فرهنگ عارفانه اصطلاحات عرفانی، پیوند ظاهر به باطن و برون به درون می بود که صورت و سیرت هر دو یکجا به توصیف درآیند.

امید است که این کوشش اندک، در دیدگاه اهل نظر مورد نظر آید.

منوچهر دانش پژوه  
نیاوران، اردیبهشت ۷۸

### یادداشتها

۱. رک به: حدائق الحقایق، شرف الدین رامی، به تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ه.ش.
۲. مقدمه حدائق الحقایق ص ۹.
۳. همان.
۴. فاصله بین این دو تاریخ، نوزده سال می شود که دوران سلطنت اویس جلایری است و مرحوم عباس اقبال در مقدمه انیس العشاق ذکر کرده است. در صفحه عنوان کتاب حدائق الحقایق این تاریخ، اشتباهاً به عنوان زمان زندگی شرف الدین رامی نوشته شده است.
۵. رک به: مقدمه انیس العشاق به تصحیح و اهتمام عباس اقبال ص ب.
۶. تذکرة الشعراء، دولت شاه سمرقندی، (چاپ رضائی ص ۲۴۱) و چاپ محمد عباسی ص ۳۴۴.
۷. ریخانة الادب، محمد علی مدرس، جلد سوم. ص ۱۹۱.
۸. همان.

۹. مقدمه انیس العشاق، عباس اقبال، ص د.
۱۰. از سعدی تا جامی، اذوارد براون، ترجمه استاد علی اصغر حکمت چاپ دوم، ص ۶۷۹.
۱۱. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد سوم، ص ۱۳۱۴.

کتاب اول  
فرهنگ اصطلاحات عرفانی

